

تاریخ: ۵۸/۲/۱۴

بیانات امام خمینی در جمع مسؤولین و کارکنان مجله خواندنیها

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمتی که مجله‌ها و روزنامه‌ها و سایر رسانه‌های این مملکت می‌توانند به کشور خودشان و به اسلام بکنند این است که وضع این مجله‌ها را تغییر بدهند. این مجله‌ها در زمان رژیم سابق یک وضعی داشت از حیث مطالب، از حیث عکس‌ها و از این جهات. اگر شما بخواهید خدمتی بکنید به کشور خودتان؛ خدمتی بکنید به اسلام؛ باید از چیزهایی که انحراف می‌آورد، اینکه در مجله‌ها این عکس‌های شهوانی، مبتذل و آن مقالات منحرف‌کننده بوده، شما خیال نکنید که این همین‌طور واقع شده بود، این هم یک راه حساب‌شده‌ای بود که جوان‌های ما را به انحراف بکشاند؛ جوان‌های ما را از طریق‌های مختلف اینها می‌خواستند محتوایشان را از آنچه هستند خالی کنند یک چیز دیگرشان کنند. یک وقت از راه مواد مخدره، خوب این یک راه بود، مواد مخدر الان هم رایج است. یک راه از باب مراکز فساد که می‌دانید که چقدر مراکز فساد درست کردند و جوان‌های ما را به آن مراکز کشاندند و از آنی که باید یک جوان بشود، که استفاده از او بشود برای اسلام، استفاده بشود برای کشور خودش، اینها را از آن استفاده انداختند، یک آدم همین جوری بار آوردند. کسانی که در مراکز فحشا می‌روند اینها دیگر نمی‌توانند نه فکرشان یک فکر صحیح باشد، نه عملشان یک عمل صحیح و اینها می‌خواهند همین معنا را که جوان‌های ما را کاری با آنها بیاورند که محتوای خودشان را بگیرند به جای آن یک چیز دیگری تزریق کنند و یکی از چیزهای مهم هم از قضیه مطبوعات و سینماها، تئاترها، رادیوها، و اینها بود، تمام اینها روی یک نقشه حساب شده برای این بود که این کشور را از آدم خالی کنند، از یک انسانی که بتواند در مقابل کسانی که به کشورش می‌خواهند خیانت بکنند، به اسلام می‌خواهند تجاوز بکنند بتواند در مقابل بایستد. این بساطی که اینها درست کرده‌اند و به آن دامن زده‌اند و زیاده‌تر از همه در همین زمان‌های نزدیک به ما، در این پنجاه سال و این سال‌های اخیرش دیگر بیشتر، برای این بود که جوان‌های ما را از صحنه خارج کنند. از صحنه تفکر، از صحنه سیاست خارج کنند، به چه خارج کنند؟ این یک رشته طولانی قضیه مواد مخدر است که شما خیال می‌کنید که این قاچاقچی‌ها همان یک کاسب‌هایی هستند قاچاقچی، بی‌حساب مسأله، من احتمال می‌دهم که این هم جزء همان حساب‌هایی است که آنها می‌کنند. آنهایی که می‌خواهند شما را بچاپند، آنهایی که نمی‌خواهند ایران به پای خودش بایستد (هر کشوری با جوان‌هایش به پای خودش می‌ایستد) از یک راه جوان‌های ما را عادی کردند به

این مخدرات که دیگر یک کسی که عادی به هر وئین شد دیگر آدم اسمش را نمی‌شود گذاشت. یک موجودی است که آنجا نفس می‌کشد، این نمی‌تواند مبدأ یک کاری بشود، نمی‌تواند یک اداره‌ای را اداره کند. نمی‌تواند تفکر بکند در اموری که مملکتش احتیاج به او دارد و همین‌طور مراکز فحشا که درست کردند، هر جا می‌رفتی یک مرکز فحشا بود که جمع می‌شدند در آن این اشخاصی که عادی شدند به این، جوان است، جوان وقتی عادی شد به این مراکز فحشا همه چیزش می‌شود آن فحشا، آن دیگر نمی‌تواند تفکر کند که مملکتش دارد چه می‌شود، نمی‌تواند تفکر کند که کی دارد مملکت را. اداره می‌کند چه‌جوری دارد اداره می‌کند، کاری به این کار ندارد. او فقط دنبال این است که ببیند که آن مرکز بهتر ارضاء می‌کند او را یا آن مرکز دیگر. دنبال همین است. یک عده کثیری از جوان‌های ما را هم کشیدند در این مراکز. سینماهای آن زمان هم همین بود حالا این را من نمی‌دانم؛ سینماها آن زمان هم همین بود که کسانی که عادی شده بودند بروند سینما، اینها دیگر نمی‌توانستند فکر کنند، بنشینند فکر کنند که کشورشان به چه احتیاج دارد، کی دارد کلاه سرشان می‌گذارد. اصلاً - فکر - هیچو فکری در آنها نمی‌آید، چنان خیالی منعکس نمی‌شود، هر چه در ذهنش می‌آید آن پرده سینما و آن بساطی که آنجا هست. سینمایی که باید معلم این جوان‌ها باشد، مربی این جوان‌ها باشد، اصلاح‌کننده اینها را، جوئی درستش کردند که به فیساد می‌کشایند آنها را.

آنهایی که، عقلانی که اینها را درست کردند اگر برای ماها درست کرده باشند روی همان عقل خودشان برای مهار ما برای این است که جوان‌های ما را از دستمان بگیرند و اما برای خودشان اگر درست کرده باشند ممکن است که یک اغراض صحیحی هم داشته باشند لکن مطبوعات، سینما، تلویزیون، رادیو، مجله‌ها، همه اینها برای خدمت به یک کشور است، اینها باید در خدمت باشند، نه اینکه هر کس پا شود و یک مجله‌ای درست کند و هر چه دلش بخواهد در آن باشد و هر عکسی بهتر مشتری داشته باشد توی آن بیندازد. عکس‌های مهیج، عکس‌های مهوع در آن بیندازد که مشتری‌هایش زیاد بشود آنوقت اسمش مطبوعات است و - عرض می‌کنم - صاحب قلم است و آزادی هم می‌خواهد!! باید دید تو چه می‌کنی، چه خدمتی داری به این مملکت می‌کنی، یا قلمت داری چه می‌کنی؟ با قلمت بچه‌های ما را داری به بناد فنا می‌دهی یا تربیت می‌کنی؟ مطبوعات که در زمان این پدر و پسر بود حساب شده، نه همین‌طوری، حساب شده اینها به خدمت خارجی‌ها بودند، به خدمت اجانب بودند، ولو خودش نمی‌فهمید، ولو خودش هم نمی‌فهمید لکن با حساب درست کرده بودند اینطوری که این مجله باید حتماً در آن یک صورت‌های کذایی باشد، یک چیزهایی باشد که اعوجاج بشاورد که بچه‌ها و جوان‌های ما وقتی عادت کردند به این مجله دیگر نروند سراغ یک فکر دیگری، همه‌اش فکر روی این نقشه‌ها باشد و روی این صورت‌ها باشد، روی این بساط، یا اگر جوان‌های ما رفتند در سینما و عادت کردند به این، دیگر نروند سراغ یک فکر دیگری، فکر دیگر را از آنها بگیرند. تا حالا اینجور بوده، حالا از این به بعد هم می‌خواهد اینجور باشد؟ اگر از این به بعد هم می‌خواهد اینجور باشد، ما از جمهوری اسلامی، لفظ جمهوری دستمان آمده، باقیش همان طاغوت، همان است. اگر بیدار شدید این

جوان‌های ما، این نویسنده‌های ما، این گوینده‌های ما، این متفکرین ما، اگر بیدار شدند، حالا باید همه چیز فرم‌ش تغییر بکند. مجله باید در خدمت کشور باشد، خدمت به کشور این است که تربیت کند جوان تربیت کند، انسان درست کند، انسان برومند درست کند، انسان متفکر درست کند تا برای مملکت مفید باشد. مجله باید وقتی کسی بخواند، ببیند، اگر عکس دارد، عکسی باشد که تهیج کند برای اینکه مقابله با دیگران بکند. اگر مطلبی دارد، مطلبی باشد که بسیج کند این را برای حفظ استقلال خودش، برای حفظ آزادی خودش، برای حفظ مملکت خودش. اگر مجله، این مجله است، مجله اسلامی است و مجله جمهوری اسلامی. اگر مجله همان مسائل سابق است منتها حالا یک خرده تخفیفش داده‌اند لکن باز هست، اگر آن باشد نباید اسمش را مجله جمهوری اسلامی گذاشت، باید اسمش را مجله طاغوتی گذاشت که در آنجائی که گفته می‌شود ما جمهوری اسلام هستیم پیاده می‌شود و سایر چیزها هم همین‌طور. ملت ایران، ملت مسلم ایران اسم را نمی‌خواستند عوض بشود، محتوای همان یا بدتر می‌خواستند که عوض بشود این مملکت، یک مملکتی که همه چیزش از بین رفته بود، به هلاکت کشیده بود، به نابودی رفته بود، این برگردد به حال خودش و مهمش انسان‌هاست. یک کشور اگر انسان‌هایش، آدم‌هایش صحیح باشد، کشور است، اگر آدم‌هایش آدم صحیح نباشد، کشور نمی‌تواند صحیح باشد. تمام این خیانت‌هایی که به این مملکت ما شده برای اینکه ما آدم نداشتیم، اگر ما آدم داشتیم نمی‌شد این خیانت‌ها، مملکت ما را از آدم خالی کردند.

دیشب آقای بازرگان می‌گفت خوب ما هر چه می‌گردیم پیدا نمی‌کنیم، درست هم می‌گوید. برای پنجاه سال کوشش شد که نگذارند آدم پیدا بشود، پنجاه سال، پنجاه و چند سال کوشش، سابق همین کوشش‌ها بود اما زیادش در این پنجاه و چند سالی که این پدر و پسر خیانتکار در این مملکت بودند و همه قدرت‌ها کمک کردند اینها را نگه داشتند و اینها هم با همه قدرت این مملکت را تهی کردند و مهمش تهی کردن از نیروی انسانی است. جوان‌های ما، نیروی جوانی ما را از بین بردند با اسم‌های مختلف، با یک اسماء خیلی فریبنده، با یک بساط «ما می‌خواهیم آزاد مردان، آزاد زنان، مملکت، حالا دیگر همه آزاد شدند، این دهقان‌ها دیگر، حالا دهقان است دیگر رعیت نیست»، این دهقان‌های بیچاره آمدند توی این زاغه‌ها، زاغه‌های اطراف تهران و اطراف شهرستان از اینکه زراعت از دستشان گرفته شد هیچ چیز هم نداشتند، حالا دیگر دهقان شدند! زاغه‌نشین شدند بیچاره‌ها. هر جا دست بگذاری خراب کردند و آنکه در یک موقعی از همه خیانت‌ها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را عقب بزنند و نگذارند درست بشود و آنکه از همه خدمت‌ها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد و این به عهده مشطوبات است، مجله‌هاست، زادیو تلویزیون است، سینماهاست، تئاترهاست؛ اینها می‌توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند و تربیت صحیح بکنند و خدمتشان ارزشمند باشد و می‌توانند مثل رژیم سابق باشند که همه چیز به هم ریخته بود و همه چیز در خدمت استعمار بود، آنها خودشان هم نمی‌دانستند، خیلی‌ها خودشان نمی‌دانستند نمی‌دانست که این عکس که از این زن لخت می‌اندازد چند تا جوان را آشفته می‌کند، از بین می‌برد، در هر هفته‌ای که یک مثلاً

مجله‌ای درمی‌آید که در آن ده تا عکس گذاست، این چند نفر از جوان‌های ما را از دست ما می‌گیرد. یا خودشان هم متوجه نبودند یا خودشان هم از آنها بودند ما چه می‌دانیم. اگر خودتان را متحول کردید، کشورتان را هم می‌توانید نجات دهید، اگر به همان حال باشید و استان را عوض کردید، با اسم نمی‌تواند یک کشوری اداره بشود، با لفظ، با لفظ جمهوری اسلام، با رأی به جمهوری اسلام نمی‌تواند یک مملکتی اسلامی بشود. مملکت اسلامی محتوایش باید اسلامی باشد. شما هم که مجله می‌نویسید می‌توانید خدمت کنید، جوان‌ها را برومند کنید با مقالاتتان، مقالات صحیحتان، دنبال این باشید که از نویسنده‌های متعهد اسلامی و انسانی نیرو بگیرید، مقالات صحیح بنویسید، درد و دوايش را بنویسید همه چیز را انتقاد کنید و می‌توانید باز از آن عکس‌ها و از آن بساط و از آن کار درست کنید تا جوان‌ها را از دست بدهید، از این بیزید.

خدا انشاء الله همه شما را توفیق بدهد که خدمت بکنید و همه ما را توفیق بدهد که خدمت کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته